

گزارش مقدماتی بررسی باستان شناختی شهرستان نهاوند



نعمت الله سراقی

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

اشاره

پیش از این (فرهنگان ۳۱ و ۳۲ صفحه‌ی ۱۰۷)، مقاله‌ی «کوچ و کوچ‌نشینی در شهرستان نهاوند» از همشهری پژوهشگر جناب آقای نعمت‌الله سراقی، کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس را ملاحظه کردید. ضمناً به بخشی از فعالیت‌ها و آثار ایشان نیز اشاره شده بود. در این شماره، مقاله‌ی دیگر وی، که یک بررسی باستان‌شناختی از شهرستان نهاوند است از نظر تان می‌گذرد. فرهنگان

مقدمه

هم‌چنان‌که می‌دانیم بررسی‌های باستان‌شناسی برای تعیین موقعیت مکان‌های باستانی و ویژگی‌های آن‌ها انجام می‌گیرد. به معنای بسیار محدود، بررسی‌های باستان‌شناسی به این منظور صورت می‌گیرد تا اطلاعات کلی درباره‌ی تاریخ و تحول اسکان جوامع در مناطق گوناگون به دست آید، پیش از آن‌که در آن مناطق کاوش باستان‌شناسی، که در واقع به معنای بازسازی آن‌هاست، انجام گیرد.

امروزه، در باستان‌شناسی این بررسی‌ها عموماً گامی مهم در برنامه‌های تحلیلی توسعه و تحول تاریخی انسان و کاوش در منطقه تلقی می‌شود. از این رو معمولاً کاوش‌های باستان‌شناسی، بدون بررسی‌های نخستین و یا بدون در نظر گرفتن نتایج بررسی‌های پیشین، چندان عملی نخواهد بود. اهدافی که در بررسی‌های باستان‌شناسی دنبال می‌شود عموماً شامل برآورد جمعیت منطقه، تغییر آن در دراز مدت، ارتباط مکان‌های باستانی با محیط زیست و منابع طبیعی، تعیین مرزهای فرهنگی بین منطقه و سلسله مراتب مکان‌های باستانی و ارتباط فضایی آن‌هاست (مترجم / محمدی فر، ۱۳۸۲).

تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناسی بیش‌تر تا مرحله‌ی شناخت مفید است، لذا لازم است از تأکید بیش از حد بر تفسیر و تعبیر کمیّت و کیفیت یافته‌ها تا حد امکان دوری کرد. تجربه‌ی بررسی‌های مختلف نشان داده که یافته‌های هر نوبت بررسی در یک تپه یک‌نواخت نیست. در بررسی سطحی محوطه‌ها داده‌های سفالی زیادی جمع‌آوری می‌گردد که این سفال‌ها تا حدودی استقرارهای مختلف تپه را آشکار می‌کند ولی گذشته از موارد یک‌سان و یک‌نواخت، بعضی از داده‌های سفالی که در بررسی‌های گذشته به‌دست آمده، ممکن است در

بررسی فوق به دست نیاید، ولی در عوض در بسیاری از محوطه‌ها داده‌های جدیدی نیز به دست آید.

پس نتیجه می‌گیریم در هر بررسی ممکن است سفال‌های جدیدی به دست آیند که فرضیه‌های قبلی را تغییر دهند. علاوه بر این، در بررسی‌ها باید به این نکته توجه نمود که در بعضی از تپه‌ها، که به نوعی قسمتی از آن‌ها تخریب شده است، مقدار زیادی از سفال‌های موجود در طبقات زیر سطح در اطراف تپه پراکنده شده اند. لذا در نتیجه‌گیری نباید کثرت آثار به دست آمده از چنین محوطه‌هایی را در مقابل محوطه‌های تخریب نشده و سالم دال بر اهمیت آن‌ها در دوره‌ی مورد مطالعه دانست. بررسی کننده نیز از نظر روانی ممکن است به جمع‌آوری نمونه‌های خاص بیش‌تر تمایل نشان دهد که این موضوع نیز می‌تواند باعث اشتباه در مطالعات بعدی شود.

در محوطه‌هایی که دارای استقرارهای چند دوره‌ای هستند، معمولاً بقایای جدیدتر، آثار قبلی را پوشانیده‌اند. به این ترتیب ممکن است آثاری از دوره‌های قدیمی، که در زیر تپه واقع شده‌اند، در میان آثار سطحی وجود نداشته باشد. علاوه بر این، کیفیت بررسی نیز مهم است، به طوری که قاعدتاً نتایج یک بررسی فشرده با یک بررسی که به وسیله‌ی اتومبیل انجام می‌شود، تفاوت خواهد داشت. در پایان ممکن است تعدادی از استقرارهای یک دوره بر اثر تخریب عوامل انسانی و طبیعی از بین رفته یا این‌که با رسوبات دشت پوشانیده شده باشند.

با توجه به موارد فوق، نگارنده سعی نموده برای جلوگیری از خطاهای احتمالی

گاه‌نگاری نسبی، که صرفاً بر تجربه شخصی استوار است، داده‌های گردآوری شده در طول بررسی شهرستان نهاوند را با سفال‌های گاه‌نگاری شده‌ی محوطه‌هایی در زاگرس مرکزی و شمال غرب، که تأثیر زیادی در هنر سفالگری منطقه داشته‌اند، مطابقت دهد و با تکیه بر داده‌های سطحی و هم‌چنین تاریخ‌های ارائه شده برای محوطه‌های مذکور به شناخت استقرارهای ادوار مختلف در منطقه بپردازد (سراقی، ۱۳۸۵).

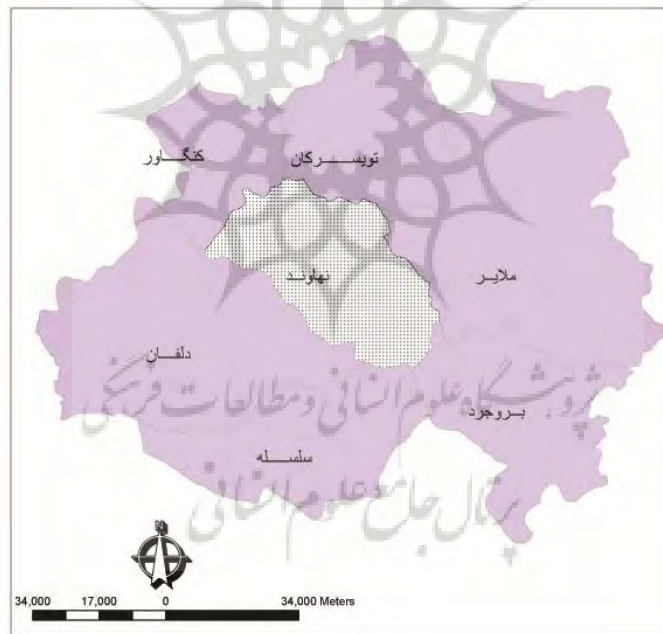
منطقه مورد مطالعه

دشت نهاوند در شهرستان نهاوند در جنوب غربی استان همدان و در دامنه‌ی شرقی زاگرس مرکزی قرار گرفته است. در شمال آن کوه‌های سفید، ملوسان، برجک، آردیشو، قینل، باروداب، عشوند و کله‌خو و در جنوب آن کوه گرو (این کوه دنباله‌ی کوه‌های شاهور، پاوه، و روانسر بیستون است)، که به موازات کبیر کوه با فاصله چند رشته ادامه دارد، واقع شده است (سیدان، ۱۳۷۹). در بین این کوه‌ها دشت حاصل‌خیز نهاوند با عرض ۴ الی ۱۲ کیلومتر قرار گرفته است. در طول این دشت سراب‌ها و چشمه‌های متعدد دائمی و فصلی وجود دارد و رودخانه‌ی معروف گاماسیاب از میان آن می‌گذرد (افراسیاب پور، ۱۳۸۱).

این دشت از شمال به ملایر و تویسرکان، از غرب به دره‌ی کنگاور و از جنوب با لرستان هم‌جوار است و از نظر زمین‌شناسی به سه قسمت کوهستانی، دشت جلگه‌ای و جنگل‌های درختی و درختچه‌ای تقسیم می‌شود (شایان، ۱۳۷۸).



موقعیت شهرستان نهاوند در استان همدان



موقعیت شهرستان نهاوند و شهرهای هم جوار

تاریخچه‌ی مطالعات باستان‌شناسی دشت نهاوند

با توجه به اهمیت زاگرس مرکزی در مطالعات باستان‌شناسی و زاگرس به‌طور خاص و وجود فرهنگ‌های پیش از تاریخ در مناطق هم‌جوار آن (اسدآباد، کنگاور، ماهیدشت، دشت نورآباد، ملایر و تویسرکان و دیگر نواحی زاگرس مرکزی) و این‌که این دشت با فرهنگ‌های فلات مرکزی ایران (سیلک و چشمه علی) مرتبط است، متأسفانه جز چند پژوهش، که آن‌هم محدود بوده و حتی تعدادی از آن‌ها فاقد گزارش دقیق و جامع‌اند (علت این امر دست نیافتن کاوشگران به اشیای مفرغی زیبایی بود که در اوایل این قرن به وسیله‌ی قاچاقچیان در بازارهای تهران، کرمانشاه، خرم‌آباد و هرسین عرضه می‌شد)، هنوز دشت نهاوند به‌طور کامل مورد بررسی پژوهشی جهت شناسایی سایت‌های آن قرار نگرفته است (سراقی، ۱۳۸۵).

در سال ۱۹۲۸ میلادی (۱۳۰۷ هجری شمسی) برای نخستین بار منطقه‌ی لرستان شرقی (نهاوند) توسط هرتسفلد (E.Hertzfeld) مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه‌ی این بررسی، هرتسفلد تپه‌ی گیان (واقع در جنوب غربی روستای گیان) را شناسایی کرد. البته این محل در همین سال از طریق ورود سفال و اشیای برنزی به بازارهای عتیقه‌ی اروپا معرفی شده بود (ایراندوست، ۱۳۷۹).

سپس هیئت حفاری موزه‌ی لوور فرانسه حفاری‌هایی را به سرپرستی ژرژ کنتنو (G.Contenau) و رومن گیرشمن (R.Ghirshman) در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی در این تپه انجام دادند که در نتیجه‌ی این کاوش‌ها ۴ دوره‌ی معماری و ۱۲۲ قبر در عمق‌های مختلف شناسایی گردید (G.Contenau & R.Ghirshman ۱۹۳۵).

در سال ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۱۰ هجری شمسی) سر آرل استین (Sir Aurel Stein)

تپه‌ی جمشیدی و چیغا صیقل را شناسایی کرد (شهمیرزادی، ۱۳۷۸).

در سال ۳۲-۱۹۳۱ میلادی تپه‌ی جمشیدی توسط رومن گیرشمن و ج. کنتنو مورد حفاری قرار گرفت که متأسفانه گزارش این حفاری منتشر نشده است (ایراندوست، ۱۳۷۹).

گیرشمن و کنتنو در همین سال تپه‌ی بدهورای نهاوند رانیز مورد کاوش قرار دادند. تپه‌ی گیان نهاوند در سال ۱۹۳۳ میلادی (۱۳۱۲ هجری شمسی) توسط هرتسفلد مورد کاوش قرار گرفت (نگهبان، ۱۳۷۶).

خانم کلرگاف (Clare Goff) بین سال‌های ۶۹-۱۹۶۳ میلادی (۴۸-۱۳۴۲ هجری شمسی) در بررسی‌های خود از منطقه، از تپه‌ی عبدالحسین بازدید کرد و در گزارش خود از این تپه (عبدالحسین) نام برده است.

در سال ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۴۹ خورشیدی) خانم جو دیت پولار در بررسی خود از منطقه‌ی زاگرس مرکزی از تپه‌ی عبدالحسین بازدید کرد و آثار سطحی آن را مورد مطالعه قرار داد و از اطلاعات به دست آمده در رساله‌ی دکترای خود استفاده کرد و در ادامه‌ی مطالعات خود به این نتیجه رسید که در صورت حفاری این محل می‌تواند اطلاعات بیش‌تری در باره‌ی این منطقه به دست آورد. به همین منظور طرح حفاری تپه‌ی عبدالحسین را تهیه کرد و در سال ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۷ خورشیدی) در این تپه به حفر گمانه‌های آزمایشی پرداخت. خانم پولار گزارش نهایی حفاریات خود در تپه‌ی عبدالحسین را در سال ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۶۹ هجری شمسی) چاپ و منتشر کرد (شهمیرزادی، ۱۳۷۸).

در سال ۱۳۷۹، آقای محمد ایراندوست جهت شناسایی آثار دوره‌ی ساسانی

نهاوند، منطقه‌ی مذکور را مورد بررسی قرار داد و از اطلاعات به‌دست آمده در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود استفاده نمود (ایراندوست، ۱۳۷۹).

در سال ۸۳-۱۳۸۲، هیئتی از طرف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان به سرپرستی آقای مهرداد ملکزاده جهت گمانه‌زنی، پی‌گردی، لایه‌نگاری و تعیین عرصه و حریم مقدماتی تپه‌ی گیان به حفاری در تپه‌ی مذکور پرداخت (ملکزاده، ۱۳۸۲).

در سال ۱۳۸۲، هیئتی از طرف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان به سرپرستی آقای یعقوب محمدی فر و عباس مترجم به بررسی منطقه‌ی خزل نهاوند پرداختند که در نتیجه‌ی بررسی فوق، ۴۴ محوطه، مربوط به ادوار پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی شناسایی گردید (مترجم / محمدی فر، ۱۳۸۲).

در سال ۱۳۸۴، هیئتی از طرف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان به سرپرستی آقای مهدی رهبر جهت تعیین حریم معبد لائودیسسه به حفاری در محله‌ی دو خواهران نهاوند پرداخت (سراقی، ۱۳۸۴).

در سال ۱۳۸۴، هیئتی از طرف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان به سرپرستی نگارنده، تمام دشت نهاوند را مورد بررسی قرار داد که در نتیجه‌ی بررسی فوق، ۱۲۴ محوطه، مربوط به ادوار پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی شناسایی گردید (سراقی، ۱۳۸۵).

عوامل مؤثر در انتخاب دشت نهاوند در زاگرس مرکزی

ویژگی‌های منطقه‌ی نهاوند در زاگرس مرکزی عبارت‌اند از:

(۱) کوهستانی بودن و داشتن دره‌های حاصل‌خیز با رودخانه‌های دائمی و فصلی،

جنگل‌های طبیعی و چشمه‌های دائمی و فصلی (حدود ۳۰ چشمه).

۲) استعدادهای زیست محیطی منطقه، که شباهت نزدیکی به استقرارهای مهم پیش از تاریخ دره‌ی کنگاور، دشت ماهیدشت، کرمانشاه و لرستان (سه گابی، سیاه بید، سراب، آسیاب گنج دره، گوران، علی کش، چغاسفید، فروخ‌آباد در دشت دهلران و دیگر محوطه‌های دوران کلکولیک هلیلان)، که همگی مورد بررسی و کاوش واقع شده‌اند، دارد.

۳) این قسمت در منطقه‌ی کارستی زاگرس مرکزی واقع و دارای غارها، تنوع گیاهی و چشمه‌های متعدد است.

۴) موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی شهرستان نهاوند در مسیر راه بزرگ خراسان قرار گرفته و حد واسط بین فلات مرکزی است. بنابراین، بررسی و شناسایی استقرارهای پیش از تاریخ و تاریخی در این منطقه بسیار اهمیت دارد.

نگارنده، با توجه به ویژگی‌های یاد شده، در جهت مطالعه و بررسی تاریخ و سیر تحول استقرارهای پیش از تاریخی منطقه، بررسی و پراکندگی جغرافیایی محل‌های باستانی و تهیه‌ی نقشه، ارائه‌ی گاه‌نگاری تطبیقی برای دشت نهاوند با مقایسه کردن داده‌های حاصل از بررسی با داده‌های مناطق هم‌جوار، (که قبلاً مورد بررسی و کاوش علمی قرار گرفته‌اند) و جمع‌آوری اطلاعات به‌دست آمده از محوطه‌های پیش از تاریخ و بررسی اهمیت و جایگاه آن‌ها در باستان‌شناسی کشور، دست به بررسی منطقه پرداخت (سراقی، ۱۳۸۵).

روش بررسی

با توجه به وسعت منطقه‌ی مورد بررسی، که حدوداً ۱۵۴۵ کیلومتر مربع است و

موقعیت خاص و شرایط طبیعی منطقه (پوشش جنگل و کوهستانی بودن) و هم‌جواری با مناطق مهمی چون اسدآباد، تویسرکان، ملایر، کنگاور، لرستان، کرمانشاه، ماهیدشت و...، این منطقه با روش پیمایشی فشرده* بررسی شده است. شیوه‌ی جمع‌آوری عناصر فرهنگی از تپه‌ها و غارها به‌صورت تصادفی انجام گرفته و در طول بررسی از تپه‌ها و غارها، به منظور به دست آوردن اطلاعات و ارائه‌ی جزئیات بیشتر، از محوطه‌های استقراری عکس، پلان و کروکی تهیه شده است.

نقشه‌ی پایه برای بررسی دشت نهاوند نقشه‌ی توپوگرافی ۱/۵۰۰۰۰ و نقشه‌ی زمین‌شناسی ۱/۲۵۰۰۰ است. در طول بررسی، برای شناسایی محوطه‌ها بیش‌تر سعی شده است از راهنمای محلی استفاده شود. نگارنده سعی نموده، علاوه بر جمع‌آوری سفال‌ها و ابزارهای سنگی از سطح محوطه‌ها، سفال‌های شاخص سطحی در دشت نهاوند را، که به وسیله‌ی جریان آب رودخانه و سایر عوامل طبیعی و انسانی پراکنده شده‌اند، نیز جمع‌آوری و نسبت به طراحی و طبقه‌بندی آن‌ها اقدام کند تا اطلاعات دقیق‌تر و بیش‌تری از منطقه‌ی مورد بررسی به‌دست آورد (سراقی، ۱۳۸۵).

زمین ریخت شناسی استقرارها

غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای مناطق «کارست» به شمار می‌روند. کارست به معنی منطقه‌ی تنگه‌ی آهکی است و فرسایش انحلال آهک توسط آب، اشکالی نظیر دره‌های V و بریدگی‌هایی بر روی سنگ آهک به وجود می‌آورد. حدود ۱۱ درصد از مساحت ایران را کارست تشکیل می‌دهد که

*. Random sampling

عمدتاً در زاگرس شکل گرفته‌اند. کوه‌های گرین (گرو) نهاوند از نمونه‌های شاخص کارست در زاگرس مرکزی است (حیدری، ۱۳۸۱).

معمولاً در مناطق کارستی دشت‌های میان کوهی تشکیل گردیده است. دشت نهاوند از جمله‌ی این دشت‌هاست که توسط رسوبات آبرفتی دوران پلیوستن و هلوسن پر شده و دارای شرایط مناسبی برای رویش گیاهان و درختان است. به این شرایط، باید چشمه‌های بزرگ و سراب‌های متعدد در کناره‌های کوهستان‌ها و دره‌ها و عبور رودخانه‌ی معروف گاماسیاب از میان دشت نهاوند را اضافه کرد.

دشت نهاوند، به‌خصوص در قسمت جنوب، با کم‌ترین فاصله به دیواره‌ی کارستی رشته کوه‌های زاگرس و در قسمت شمال با کم‌ترین فاصله با دیواره‌ی صخره‌ای کوه‌های سفید، لره کوه، کوه چله، کوه شادمانه، کوه سیاه دره، کوه آردوشان، کوه قلعه، کوه لردانه مله متصل می‌شود. در این مناطق پوشش گیاهی به‌دلیل صخره‌ای بودن، ضعیف اما متنوع است که موجب جذب حیوانات وحشی می‌گردد.

در دامنه‌ی کوه‌های گرو، شادمانه و آردوشان غارها و پناهگاه‌های سنگی تشکیل شده است. از جمله‌ی این غارهای توان به غار گاماسیاب، غار ملوسان و غار سه‌مرون اشاره نمود. از میان غارهای فوق غار گاماسیاب، به دلیل نزدیکی به سراب گاماسیاب و واقع شدن در مسیر حرکت حیوانات وحشی و کوچ عشایر، دارای موقعیت مناسبی جهت استقرار است. با توجه به آب و هوای سرد نهاوند در فصل زمستان و آفتاب‌گیر نبودن غار فوق و هم‌چنین ارتفاع زیاد منطقه‌ای که غار در آن شکل گرفته، احتمالاً غار مزبور در فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در بررسی نگارنده از غار فوق تنها چند قطعه ابزار سنگی (تراشه و دور ریز)، که هیچ‌کدام شاخص نبودند، به دست آمد. احتمالاً لایه‌های باستانی غار فوق در اثر فعالیت بازدید کنندگان نابود شده است. از غارهای ملوسان و سه مرون تنها چند قطعه سفال دوران تاریخی (اشکانی) به دست آمد و غارهای فوق فاقد هر گونه آثار پیش از تاریخی بودند. سایر غارها و پناهگاه‌های شکل گرفته در دامنه‌ی کوه‌های این منطقه به دلیل قرار گرفتن در ارتفاع زیاد، شیب تند و هم‌چنین پشت به آفتاب بودن (آفتاب گیر نبودن) خاصیت شکل‌گیری استقرار را نداشته‌اند و در طول بررسی هیچ‌گونه آثاری که دال بر استقرار در این محل‌ها باشد، به دست نیامد.

در دره‌های منشعب از دشت نهاوند محوطه‌هایی، به سبب قرار گرفتن در مسیر راه کوچ عشایر و مسلط بودن بر دره‌های فوق و هم‌چنین نزدیکی به چشمه‌های آب و سراب‌های متعدد و قرار گرفتن در مسیر حرکت حیوانات وحشی و برخورداری از بارش کافی و نم نسبی مناسب جهت کشت دیم، شکل گرفته‌اند. از جمله‌ی این محوطه‌ها می‌توان به وزمسان ۱ و ۲، تپه‌ی سرمله هزار من، تپه‌ی سرتختی، تپه‌ی سیل اسماعیل بگ، تپه‌ی بابایی و سایر محوطه‌ها اشاره نمود.

زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی، شیب مناسب، نزدیکی به رودخانه‌ی گاماسیاب و شاخه‌های متعدد آن و هم‌چنین بارش و نم نسبی مناسب باعث شکل‌گیری استقرارهایی در این دشت (نهاوند) شده که از جمله‌ی این استقرارها می‌توان به تپه‌ی دراوگ، تپه‌ی بزرگ و کوچک شریف آباد، تپه‌ی یزدان، تپه‌ی بابا قاسم، تپه‌ی کهریز صلاح‌الدین، گاوکش چم کبود و گاوکش گردیان و دیگر تپه‌های باستانی دشت میان کوهی نهاوند اشاره نمود.

در ارتفاعات بالا بر روی قسمت‌های طبیعی و صعب العبور کوه‌های نهاوند استقرارهایی متعلق به دوران تاریخی شکل گرفته است به طوری که این محوطه‌ها بر دشت نهاوند مسلط شده‌اند. از جمله‌ی این استقرارها می‌توان به قلعه وشت، تپه‌ی زرنگ زنگ، تپه‌ی چوکل آبادی، تپه‌ی کلک کرک بالا و سایر محوطه‌های دشت نهاوند اشاره نمود (سراقی، ۱۳۸۵).

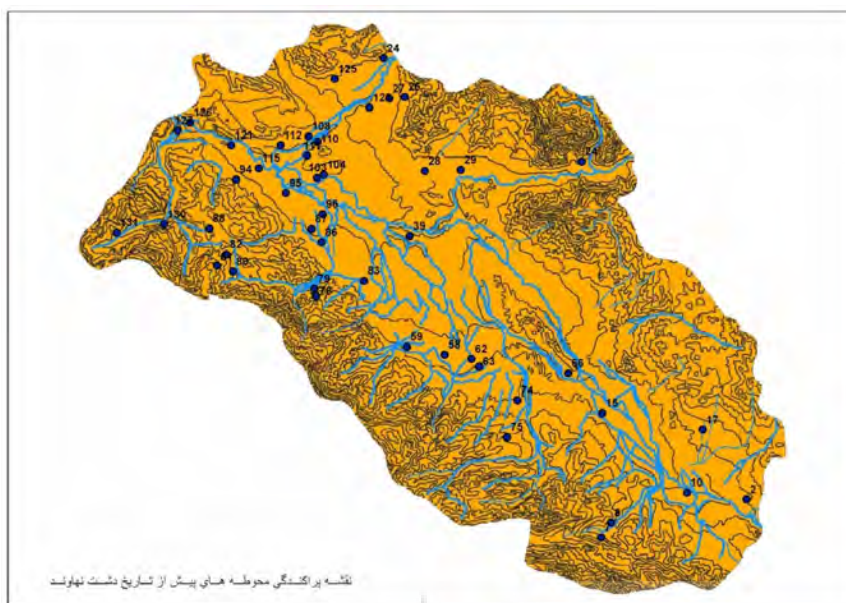
نتیجه گیری

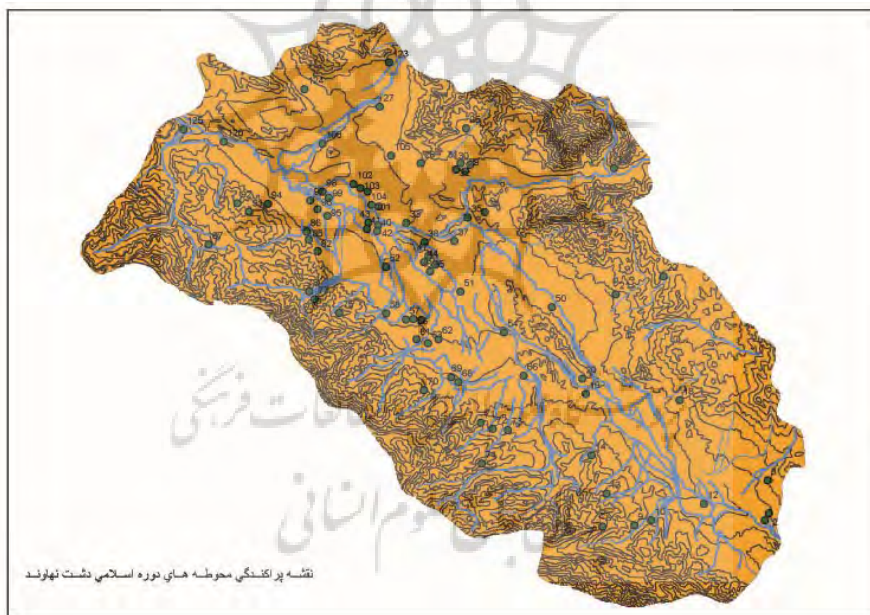
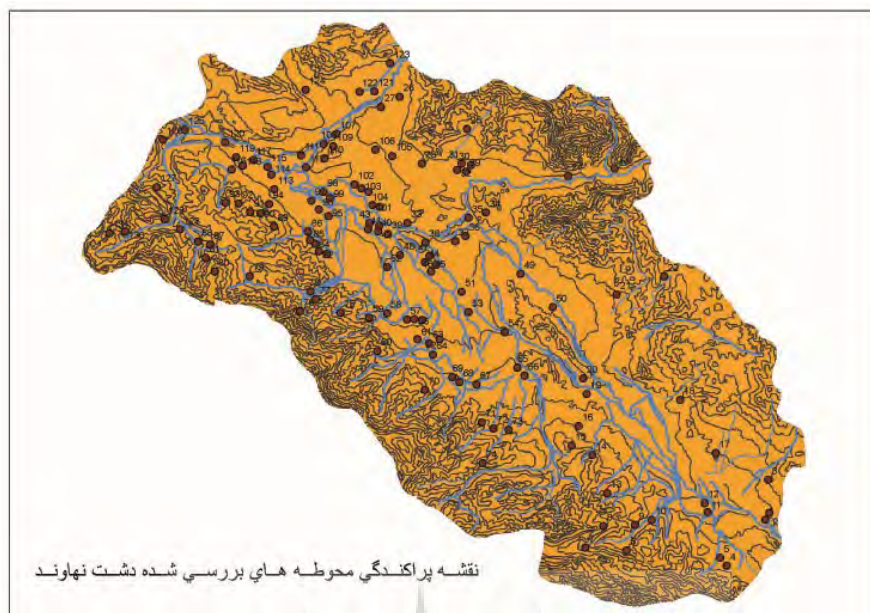
در نتیجه‌ی بررسی فوق، ۱۲۴ محوطه‌ی باستانی مربوط به دوران پیش از تاریخ، دوران تاریخی و اسلامی در دشت نهاوند مورد شناسایی قرار گرفت که ۴۵ محوطه مربوط به دوران پیش از تاریخ (یک محوطه احتمالاً مربوط به دوران نوسنگی، ۲۰ محوطه مربوط به دوران مس و سنگ قدیم، ۱۰ محوطه مربوط به دوران مس و سنگ میانی، ۱۱ محوطه مربوط به دوران مس و سنگ جدید، ۱۷ محوطه مربوط به دوران مفرغ قدیم، ۲۶ محوطه مربوط به دوران مفرغ میانی و جدید، ۶ محوطه مربوط به عصر آهن I، ۲۳ محوطه مربوط به عصر آهن II، ۱۲ محوطه مربوط به عصر آهن III)، ۶۷ محوطه مربوط به دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) و ۸۰ محوطه مربوط به دوران اسلامی (قرون اولیه، میانی و متأخر) است. سه غار و پناهگاه سنگی مورد شناسایی قرار گرفت که فاقد آثار پیش از تاریخ بودند.

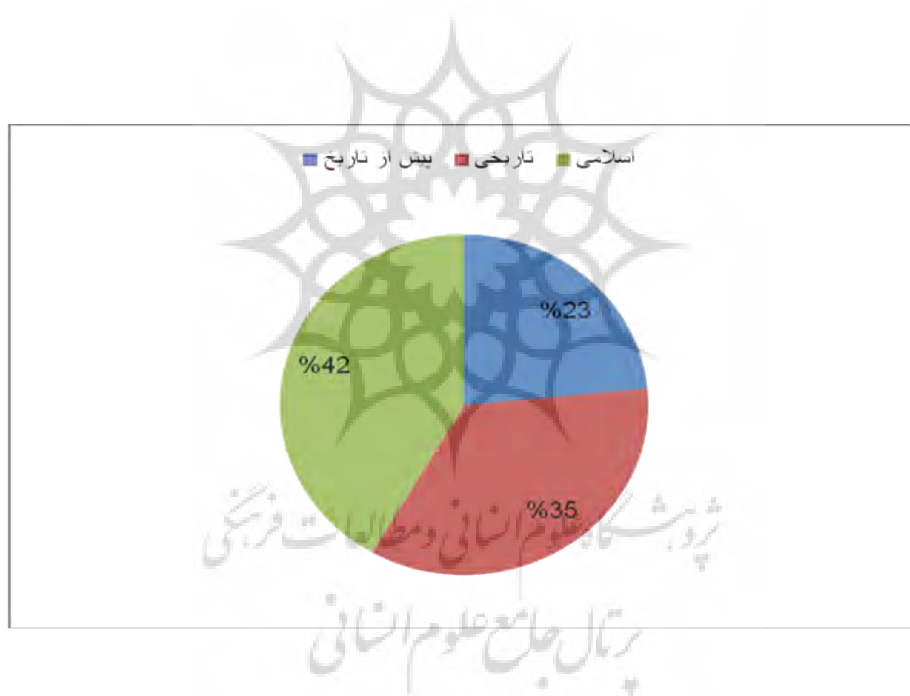
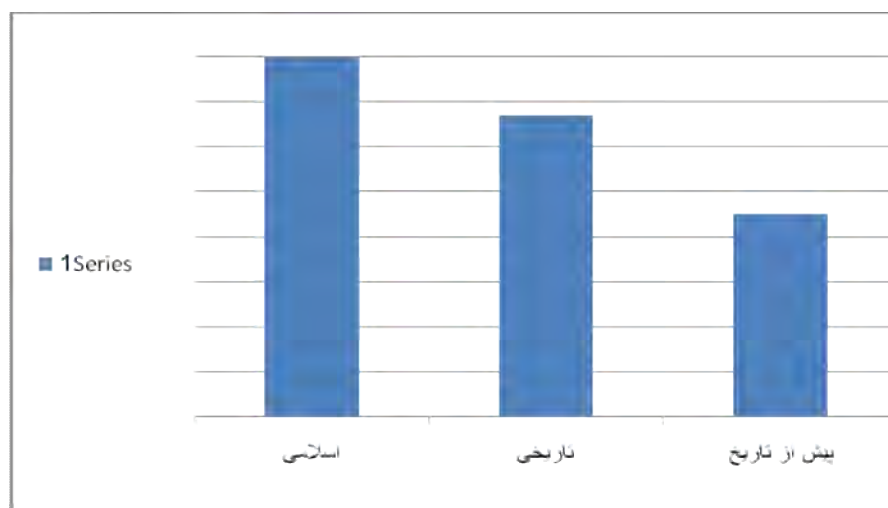
با توجه به این‌که نگارنده بارها از منطقه‌ی مورد نظر بازدید به عمل آورده و گزارش بررسی‌ها و حفاری‌های منطقه و مناطق مجاور را مطالعه نموده، به این نتیجه رسیده است که محوطه‌های باستانی و پیش از تاریخ منطقه در دیواره‌ی کارستی کوه‌ها و کنار چشمه‌های آب و رودخانه‌های دائمی و فصلی واقع شده‌اند. همچنین،

پراکندگی استقرارهای پیش ازتاریخ با امکانات زیستی متناسب است و بین غارها و سایر محل‌های باستانی این منطقه با فلات مرکزی، لرستان، کرمانشاه و دیگر نواحی زاگرس مرکزی وجود روابط تکنولوژیکی و فرهنگی داشته است. ضمناً سفال‌های به‌دست آمده از محوطه‌های این منطقه رابطه‌ی نزدیکی با سفال‌های مناطق مجاور را نشان می‌دهند (سراقی، ۱۳۸۵).









نمودار محوطه های شناسایی شده در بررسی و شناسایی شهرستان نهاوند

منابع و مأخذ

- ۱- افراسیاب‌پور، علی اکبر، جغرافیای تاریخی نهاوند، قم، زهیر، ۱۳۸۱
 - ۲- ایراندوست، محمود، نهاوند در دوره‌ی ساسانیان بر اساس مطالعات باستان‌شناسی، رساله‌ی کارشناسی ارشد به راهنمایی ناصر نوروز زاده چگینی، دانشگاه تهران ۱۳۷۹
 - ۳- ایراندوست، محمود، حفاری در تپه‌ی گیان، فرهنگ‌ان، انتشارات علیمرادیان، بهار ۱۳۷۹
 - ۴- سراقی، نعمت‌الله، بررسی باستان‌شناختی دشت نهاوند، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، شهریور ۱۳۸۵
 - ۵- سیدان، سید شمس‌الدین، نهاوند در هزاره‌های تاریخ، انتشارات آشتی، ۱۳۷۹
 - ۶- شایان، سیاوش، تعیین محدوده‌ی طبیعی شهرستان نهاوند، فرهنگ‌ان، انتشارات علیمرادیان، پاییز ۱۳۷۸
 - ۷- محمدی‌فر، یعقوب / مترجم، عباس، بررسی باستان‌شناسی بخش خزل نهاوند، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، تابستان ۱۳۸۲
 - ۸- ملک شهمیرزادی، دکترصادق، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، معاونت پژوهش سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول ۱۳۷۸
 - ۹- ملکزاده، مهرداد، گمانه زنی، پی‌گردی، لایه‌نگاری، تعیین عرصه و حریم مقدماتی تپه‌ی گیان، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، تابستان ۱۳۸۲
 - ۱۰- نگهبان، عزت‌الله، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، ارغنون، چاپ اول، ۱۳۷۶
- 11- Contenau, Georges, and Roman Ghirshman (1935), *Fouilles de Tepe Giyan*, Paris: paul Geuthner coon. Carleton s.